

شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه‌ای بحرانزا و بحرانداد

یدنا... محمدی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

مقاله حاضر به بررسی گرایشها مواضع و عملکردهای سیاسی شورای همکاری خلیج فارس در برابر برخی مسائل مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌پردازد. قطعنامه‌های متعدد صادره از سوی این شورا و مواضع فردی برخی مقامات رسمی و بلند پایه شورا در برابر جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف زمانی حائز اهمیت است. بررسی این مواضع در دوران جنگ تحمیلی، پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و حتی امروزه در دفاع از 'عربیت' و محکومیت جمهوری اسلامی ایران حکایت دارد است؛ به عبارتی اگر تا دیروز این شورا پیوسته در زمان جنگ و بعد از جنگ تحمیلی، در دفاع از عربیت به حمایت همه جانبه از عراق می‌پرداخت، امروزه نیز در همین راستا با طرح مساله سه جزیره (ابوموسی - تنب کوچک و بزرگ) به محکومیت ایران پرداخته است.

نکته حائز اهمیت اینکه ایران اسلامی در موقعیتی آماج محکومیت‌های مکرر از سوی این شورا قرار گرفته که اعضای شورا پذیرای مقامات بلند پایه رژیم صهیونیستی در کشور خود هستند و با طرح لغو تحریم اقتصادی رژیم صهیونیستی ضمن شتاب دادن به روند مذاکرات صلح خاورمیانه، عرق اسلامیت و عربیت خود را یکجا فراموش کرده‌اند؛ به عبارت روشن‌تر این شورا در حالی که بحرانی را در منطقه خلیج فارس خصوصاً با ایران اسلامی دامن می‌زند، تلاش بی‌وقفه‌ای را در جهت حل بحران اعراب و اسرائیل شروع نموده است.

شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه‌ای درون منطقه‌ای متشکل از شش کشور عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس، یعنی عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، عمان و امارات متحده عربی، است. چند ماه پس از سرکوبی شورشیان چپگرای ظفار در عمان به کمک ارتش ایران، شاه، طرح تأسیس شورایی متشکل از ایران و کشورهای عربی منطقه را در ارتباط با امنیت منطقه مطرح می‌سازد که با موافقت عمان، مخالفت عراق و سکوت کویت و عربستان سعودی روبرو می‌شود و لذا ابتکار شاه ایران در تأسیس شورای همکاری خلیج فارس با محور بودن ایران به جایی نمی‌رسد.

پیروزی غافلگیرکننده انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ م. / ۱۳۵۷ ش. تهدیدی برای منافع و هدفهای حیاتی غرب و آمریکا و در پی آن رژیمهای طرفدار غرب به شمار رفته، این مجموعه را به اتخاذ مواضع منفی و عملی مشترک در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران، کشانید. این واکنش را می‌توان در قالب بزرگ جلوه دادن تهدیدات انقلاب اسلامی، اتخاذ مواضع خصمانه و همراه با نگرانی و اعمال فشارهای مختلف داخلی و خارجی نسبت به جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد. تحمیل جنگ به عنوان برنده‌ترین ابزار سرکوب نظام جمهوری اسلامی به کمک عنصر جاه طلب و قدرتمندی چون صدام - که وعده سقوط نظام نوپای اسلامی ایران و تصرف تهران در مدت یک هفته را می‌داد - سناریویی بود که اگر نگوییم به اشاره و موافقت آمریکا و ارتجاع منطقه صورت پذیرفت، حداقل می‌توان گفت که رضایت و خرسندی آنها را دربر داشت. شاهد بر این مدعا مواضع این مجموعه کشورها بطور رسمی و غیر رسمی در قالب قطعنامه‌های شورای امنیت و شورای همکاری خلیج فارس و بعضاً به صورت انفرادی در حمایت از متجاوز و محکومیت ایران در طول جنگ تحمیلی و حتی پس از آن است.

باگذشت شش ماه از شروع جنگ تحمیلی و آشکار شدن مقاومت و توانمندیهای نظام انقلابی ایران در رویارویی با تجاوز عراق بر خلاف پیش بینیهای صدام حسین مبنی بر ساقط نمودن اساس نظام اسلامی ایران در عرض چند روز، در ۱۳۵۹/۱۲/۲۶ زمینه‌های عینی شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس آشکار می‌شود. لذا در یک اقدام هماهنگ، پس از تشکیل سومین کنفرانس کشورهای اسلامی در طائف، رهبران شش کشور عرب جنوب خلیج فارس در حاشیه این کنفرانس یک اجلاس غیر رسمی تشکیل دادند که دستور کار آن بررسی

موضوع همکاری بین کشورهای یاد شده بود.

هرچند شورای یاد شده هدف از تأسیس خود را مجموعه‌ای از همکاریهای سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی، فنی، بهداشتی، مالی، اجتماعی و ... مطرح نمود. لیکن می‌توان گفت که هدف و انگیزه اصلی تشکیل این شورا، چنانکه بعدها نیز آشکار شد، در مرحله اول مرتبط با حفظ ثبات سیاسی و حفظ وضع موجود *Status quo* و هماهنگی سیاستهای دفاعی، نظامی و امنیتی و یک کاسه نمودن تواناییها در مقابله با تهدیدات مشترک خارجی بویژه انقلاب اسلامی ایران بوده است.^(۱)

سقوط رژیم پهلوی و خروج ایران از پیمان سنتو که باعث گسسته شدن حلقه رابط بین پیمانهای سینو و ناتو گردید و تکمیل این حلقه مفقوده توسط این شورا با محور بودن عربستان سعودی، تلاشی در برقراری مجدد ثبات از دست رفته ناشی از انقلاب اسلامی بود. از اینرو شکل‌گیری این شورا با استراتژی منطقه‌ای آمریکا در جبران خلأ قدرت ناشی از سقوط رژیم شاه ایران، بومی کردن منطقه تا حد ممکن و پرهیز از ایجاد جو ضد آمریکایی هماهنگی کامل داشت.

عملکرد، سیاست خارجی و جهت‌گیریهای سیاسی این شورا در مسائل منطقه‌ای و جهانی بدون تعصب و به دور از قضاوت ارزشی، تابعی از سیاستها و جهت‌گیریهای سیاسی آمریکا و غرب است و بر مبنای عملکردها و شواهد مختلف و متنوع، اگر بادی بسیار خوشبینانه نگوییم که دست‌قدهای خارجی مخصوصاً آمریکا در روند شکل‌گیری این شورا وجود داشته، بطور قطع و یقین می‌توان گفت: حداقل تکوین و پیدایش این شورا در راستای منافع، دیدگاه‌ها و سیاستهای آمریکا قرار دارد. چنانکه بعداً مشاهده خواهیم نمود.

سیاست خارجی شورای همکاری خلیج در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ضمن همسویی با استراتژی کلی آمریکا در عرض نگرشها و جهت‌گیریهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و می‌باشد. از اینروست که پیوسته اصطکاک‌هایی بین دیدگاه‌های اعضای این شورا با مرکزیت عربستان سعودی و نظام جمهوری اسلامی ایران وجود داشته و دارد. نگرش و جهت‌گیریهای سیاسی طرفین در برابر جنگ تحمیلی، امنیت منطقه، صلح اعراب و اسرائیل تنها جزئی از وجوه افتراق دیدگاه‌ها و نگرشهای شورای همکاری از یک

طرف و جمهوری اسلامی از طرف دیگر است که مورد بررسی این مقاله است.

الف- شورای همکاری و جنگ تحمیلی

پس از شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس در بهمن ۱۳۵۹، این شورا تلاش کرد موضع بیطرفانه‌ای در برابر جمهوری اسلامی ایران و جنگ تحمیلی اتخاذ نماید. اما در طی جنگ تحمیلی و حتی پس از پایان آن نتوانست این دشمنی را مخفی دارد چنانکه با صدور قطعنامه‌های متعدد و مکرر به محکومیت ایران پرداخته است. این شورا در طی جنگ تحمیلی با تکیه بر مسأله عربیت و ناسیونالیسم عربی، خود را کنار عراق و مقابل ایران قرار داده است. در این راستا شاهزاده نایف بن عبدالعزیز، وزیرکشور عربستان سعودی با انعقاد قرار داد امنیتی دو جانبه با عراق در ۹ فوریه ۱۹۷۹ صراحتاً عنوان نمود که: «عراق تنها از استقلال و حاکمیت خود دفاع نمی‌کند بلکه دفاع از سرزمینهای عربی و ملت عرب را به تمامی به عهده دارد.»^(۲)

جهت گیریهای سیاسی یک جانبه شورای همکاری خلیج فارس با محور بودن عربستان سعودی حتی پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از سوی ایران، همچنان ادامه داشت، از اینرو وزیران اطلاعات این شورا پس از برقراری آتش بس در گرده‌های یکروزه خود در "مسقط"، پایتخت عمان از حاکمیت یک جانبه عراق بر "اروند رود" حمایت نموده و این در حالی بود که قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر دقیقاً مرزهای واقعی بین ایران و عراق را مشخص نموده است.^(۳)

در راستای حمایت‌های یک سویه شورا از عراق، این شورا حتی پس از برقراری آتش بس بین طرفهای درگیر بحث «مشارکت در بازسازی فاو» و «تشکیل کمیته بازسازی فاو» را مطرح نمود. نکته قابل توجه اینکه هرچند برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مانند امارات متحده عربی، عمان، قطر و حتی بحرین در مقایسه با عربستان و کویت از روابط بهتری با ایران اسلامی برخوردار بودند، اما همگی این کشورها، بطور خواسته یا ناخواسته، همه قطعنامه‌های صادره از سوی شورا را در محکومیت جمهوری اسلامی ایران امضا نموده پیروی خود را از سیاست‌گزاریه‌های جناح تندرو آشکار ساختند؛ چنانکه پس از قطع روابط سیاسی ایران و عربستان سعودی به دنبال کشتار زائران بیت ... الحرام، نخست وزیر بحرین در تأسی اعضای

شورا به عربستان سعودی تصریح نمود که: «در صورت افزایش تنشج بین ایران و عربستان سعودی، سایر کشورهای عضو شورای همکاری نیز از اقدام عربستان برای قطع روابط سیاسی با ایران پیروی خواهند نمود.»^(۴)

هرچند جهت‌گیری‌هایی سیاست خارجی این شورا را می‌توان از خلال بیانیه‌ها و قطعنامه‌های صادره از سوی این شورا و همچنین مواضع انفرادی و رسمی یا غیر رسمی مقامات کشورهای عضو شورا علیه جمهوری اسلامی ایران مشاهده نمود، اما بخشی از تلاش‌های این اتحادیه را در اعمال فشار و تضيیقات علیه کشور ایران، می‌توان مختصراً به شرح زیر عنوان نمود:

۱- دامن زدن به تبلیغات سوء و منفی علیه جمهوری اسلامی در کشورهای خود از طریق رسانه‌های گروهی

۲- حمایت سیاسی، اقتصادی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و معنوی (بطور یکجانبه) از عراق

۳- تلاش در انزوای سیاسی ایران در جهان عرب از طریق سعی در ایجاد اختلاف بین ایران-سوریه و ایران-لیبی

۴- تلاش در اعمال تحریم تسلیحاتی و اقتصادی ایران از سوی قدرتهای بزرگ

۵- استفاده از حضور قدرتهای خارجی در منطقه برای ارعاب جمهوری اسلامی ایران

۶- راه‌اندازی جنگ نفت به منظور تضعیف توان دفاعی و اقتصادی ایران

۷- فراهم نمودن تسهیلات لازم به منظور انتقال محموله‌های نظامی و غیر نظامی از طریق بندرهای کویت به خاک عراق

۸- صدور قسمتی از نفت تولیدی عراق از طریق خط لوله عربستان سعودی به دریای سرخ

۹- امضای موافقتنامه بین ریاض و بغداد به منظور ایجاد دو خط لوله در خاک عربستان برای انتقال نفت خام عراق به بندر ینبع در دریای سرخ

در کنار موارد یاد شده و فشارها و تضيیقات گوناگون از سوی این شورا بر جمهوری اسلامی، دیرکل وقت این شورا، عباد... بشاره، نتوانسته مواضع و نیات درونی شورا را نسبت به همسایه شمالی خود (ایران) پنهان داشته، حرف آخر را می‌زند. وی پس از شکست حصر آبادان در عملیات پیروزمند ثامن الائمه طی مصاحبه‌ای در گزارش خود به روزنامه قطری "الرأیه" در ۱۶ ژانویه ۱۹۸۲ گفت که:

"... همه کشورهای خلیج فارس یک طرف اصلی جنگ شده‌اند و پرسید که چگونه ما می‌توانیم در موضوعی که خود یک طرف آن هستیم میانجیگری نماییم."^(۵)

جالبتر اینکه وی به عنوان دبیر کل شورای همکاری خلیج فارس، که مواضعش رسماً بیانگر نظریات این شورا در برابر مسائل منطقه است، حتی پارا فراتر از این حد گذاشته، اوج خصومت همراه با نگرانی خود را نسبت به کشور مورد تجاوز (ایران) آشکار می‌سازد. وی در تاریخ ۶۵/۸/۱ تأکید می‌نماید که:

«ما به اینجا / نیویورک / آمده‌ایم تا به جهانیان بگوییم ایران نباید در جنگ پیروز شود.»^(۸)

تحولات بعدی منطقه خلیج فارس بویژه تجاوز عراق به کویت و اشغال خاک این کشور که خود تهدیدی جدی و فوری برای سایر شیوخ منطقه به حساب می‌آمد، کشورهای متخاصم شورای همکاری مخصوصاً کویت و عربستان را برای مدتی به تجدید نظر در مواضع گذشته خود در برابر ایران و عراق واداشت و بعضاً به اشتباه خود در حمایت بیدریغ و یک جانبه از عراق در جنگ تحمیلی اعتراف نموده، بیش از گذشته، خواستار بهبود روابط با ایران شدند، اما از آنجا که جهت گیریهای سیاسی این مجموعه در برابر مسائل منطقه‌ای و جهانی پیروی از جهت گیریهای سیاسی آمریکا است، در فرایند بهبود روابط با ایران، تغییرات اساسی در مواضع شورای همکاری خلیج فارس و برخی اعضای آن صورت نگرفته است. بر همین مبناست که می‌بینیم پیوسته قطعنامه‌ای شورای همکاری خلیج فارس با طرح مساله جدیدی مانند "حاکمیت امارات بر جزایر مذکور که قبله مطرح نبود - همچنان به محکومیت جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند و مساله را به مجامع جهانی کشانیده و باعث سوء استفاده قدرتهای خارجی از این مساله می‌گردند؛ به همین ترتیب اخیراً نیز عربستان سعودی بانقش محوری خود در شورا به اعمال فشار و تضییقاتی علیه اعزام حجاج ایرانی به مکه مکرّمه پرداخته است.

ب - شورای همکاری خلیج فارس و امنیت منطقه:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران پیوسته بر تامین امنیت منطقه توسط کشورهای منطقه تأکید داشته و این امر کرّاراً توسط مسئولان ایرانی مطرح شده است و هرگونه مداخلات قدرتهای خارجی در منطقه را محکوم نموده‌اند. اما ترس همراه با خصومت برخی از اعضای شورا از جمهوری اسلامی ایران از یک طرف و تشدید نمودن این ترس از سوی قدرتهای استکباری از سوی دیگر شورا را بر آن داشت که همزمان بر دو مساله تأکید نماید: اول

اتکای بیش از پیش به قدرتهای سلطه‌گر بویژه آمریکا و دعوت از این کشور برای ارباب جمهوری اسلامی ایران و تامین امنیت منطقه. در این رابطه دعوت کویت از شوروی و بعد از آن از آمریکا در دوران جنگ نفتکشها برای حضور بیشتر در منطقه، دعوت از آمریکا و قدرتهای غربی در دوران اشغال کویت توسط کویت، عربستان و شیوخ منطقه از این جمله است که هنوز آثار این حضور نظامی مشهود است. از سوی دیگر دادن پایگاه‌های نظامی متعدد از سوی شیخ نشینها و انعقاد قراردادهای نظامی - امنیتی دو جانبه با آمریکا در این راستا قابل توجه است. دوم تلاشهای بی وقفه شورای همکاری خلیج فارس در خریدهای حریصانه و فزاینده تسلیحاتی. یک بررسی آماری نشان دهنده سیر صعودی و دیوانه وار خریداری تسلیحاتی بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بین کشورهای منطقه است. گزارش انستیتوی بین المللی بررسیهای استراتژیک لندن می‌نویسد که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۳۶۳ معادل ۲۸/۷ میلیارد دلار یعنی ۳۵ درصد از ۸۲ میلیارد دلار تسلیحات خریداری شده در کل خاورمیانه و افریقای شمالی رابه خود اختصاص داده‌اند. عربستان سعودی به تنهایی بیش از یک سوم درآمدهای ارزی خود را صرف خریدهای تسلیحاتی و ایجاد تاسیسات نظامی نموده، با ۲۴۰۰ دلار هزینه نظامی بالاترین رقم سرانه هزینه نظامی در جهان را دارد. این کشور در سالهای ۶۱-۱۳۵۰ مقدار ۶۲/۵ میلیارد دلار تجهیزات نظامی خریداری نموده در حالی که کل ارتش آن ۵۰/۰۰۰ نفر بیشتر نیست. در مقابل، ترکیه و پاکستان که ۱/۱۰۰/۰۰۰ نفر نیروی نظامی دارند طی سالهای یاد شده ۱۲/۵ میلیارد دلار، صرف خرید اسلحه کرده‌اند. مخارج نظامی عربستان در سال ۱۳۶۲، ۱/۵ برابر مخارج نظامی ایران و عراق (دو کشور در حال جنگ) بوده است.

در راستای خریدهای فزاینده تسلیحاتی کشورهای عضو شورای همکاری عربستان سعودی گوی سبقت را در بین کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بوده است چنانکه برخی منابع رقم بودجه دفاعی این کشور را در سال ۱۹۸۰، ۴۰ میلیارد دلار، معادل نیمی از کل هزینه دفاعی کل کشورهای در حال توسعه دانسته‌اند.^(۷) در اسناد لانه جاسوسی نیز از قول آمریکاییها آمده است که:

^(۸) "سعودی‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بودجه نظامی خود را ۴ برابر افزایش داده‌اند" (۸)

در سال ۱۹۸۴ نیز عربستان سعودی، عمان، امارات متحده عربی، کویت و برین هر یک به ترتیب ۲۰۹۶، ۱۸۳۷، ۱۸۰۲، ۹۶۳، ۷۹۸ دلار از درآمد سرانه خود را صرف بخش نظامی نمودند که این اعداد جزء بالاترین درآمد سرانه اختصاص یافته به بخش نظامی در جهان است.^(۹)

بازگرداندن مجدد دلارهای نفتی به غرب در ارتباط با خریدهای انبوه و فزاینده تسلیحاتی و تمرکز این تسلیحات در منطقه بیش از اینکه در راستای استقلال و تامین امنیت کشورهای عربی منطقه باشد، در راستای تامین منافع و هدفهای حیاتی آمریکا در خلیج فارس قرار دارد؛ چنانکه دیدیم در بحران کویت و اشغال این کشور توسط عراق استفاده عملی از این تسلیحات از سوی کشورهای عربی در خصوص رویارویی مستقیم با متجاوز صورت نپذیرفت. از سوی دیگر هدایت، تعمیر، نگهداری و راه‌اندازی تسلیحات پیچیده و پرهزینه‌ای چون آواکس و هواپیماهای پیشرفته از دست کشورهای خریدار عرب خارج است، چنانکه یکی از کارشناسان آمریکایی می‌گوید:

«باید یک نسل بگذرد تا عربستان سعودی بتواند تکنولوژی پیشرفته امروز را به کار گیرد، دادن F-15 به عربستان مانند این است که از یک قایقران بومی بخواهیم کنکور را خلبانی کند.»^(۱۰)

ج- شورای همکاری و صلح اعراب و اسرائیل

همانطور که اشاره شد، جهت‌گیریهای سیاست خارجی شورای همکاری خلیج فارس و اعضای آن تابعی از جهت‌گیریهای کلان سیاست خارجی آمریکا است و نمود آن را در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای می‌توان مشاهده نمود که حداقل به دو مورد آن اشاره کردیم. این همسویی سیاست خارجی آمریکا و اعضای شورا باعث اصطکاکها و ناسازگاریهایی بین این مجموعه و جمهوری اسلامی ایران گردیده است. کارتر رئیس جمهوری اسبق آمریکا در بازدیدی که از چند کشور شورای همکاری خلیج فارس در نوامبر ۱۹۸۶ داشت به آنها چنین می‌گوید:

«کشورهای شورا باید قدرت خود را در برابر جمهوری اسلامی ایران افزایش داده، با کشورهای غربی همکاری نمایند.»^(۱۱)

او همچنین در همین سفر و در آستانه نشست سران شورا در ابوظبی اظهار داشت که: "اجلاس سران شورا باید یک جبهه واحدی علیه تهدید دائمی که متوجه آنهاست، اتخاذ کند. کشورهای شورا باید در مقابل ماجراجویی‌هایی که ممکن است از سوی ایران علیه همسایگانش در خلیج فارس انجام شود، آماده باشند. قدرت نظامی عامل مهمی در حفظ ثبات منطقه است و کشورهای شورا باید موضعی قاطعانه در این اجلاس ارائه دهند."^(۱۲)

نفوذ ایالات متحده آمریکا بر اعضای شورای همکاری از یک طرف و دیپلماسی فعال این کشور و رژیم صهیونیستی در پیشبرد مذاکرات صلح اعراب-اسرائیل از طرف دیگر باعث گردید که اعضای این شورا در مسیر دلخواه و ترسیم شده از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی حرکت نمایند. خصوصاً با شکسته شدن قبح مذاکره مستقیم با رژیم صهیونیستی این روند، شتاب فزاینده‌ای به خود گرفته است تا جایی که امروزه اعضای شورای همکاری درباره "لغو تحریم اقتصادی" رژیم صهیونیستی بحث می‌کنند و یا اینکه دیدار مقامات بلند پایه رژیم صهیونیستی از برخی کشورهای شورا مانند عمان و قطر بطور علنی مطرح می‌شود.

شتاب فزاینده و مذاکرات صلح خاورمیانه به ابتکار آمریکا و اسرائیل که امروز دامنه آن به کشورهای عربی خلیج فارس رسیده است، برنامه‌ای حساب شده و تدریجی است که ریشه تاریخی آن به مذاکرات صلح مصر و اسرائیل در دهه ۱۹۷۰ و انعقاد قرار داد ذلت بار کمپ دیوید می‌رسد. سازش مصر در آن مقطع زمانی به شدت از سوی دنیای عرب محکوم گردید و به عنوان لکه دار شدن حیثیت سیاسی جهان عرب مطرح شد که به نوبه خود اخراج و انزوای مصر را در بین اعراب منطقه خاورمیانه و خلیج فارس^(۱۳) باعث گردید.

تسلیم مصر در آن مقطع زمانی همانگونه که ضربه‌ای هولناک بر روحیه اعراب بود، پیروزی درخشنده‌ای^(۱۴) برای آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز به شمار می‌آمد چرا که سنگین‌ترین وزنه سیاسی، نظامی و انسانی و محکمترین حلقه زنجیره جهان عرب، دیگر تهدیدی برای رژیم صهیونیستی محسوب نمی‌گردید.

علی‌رغم واکنش شدید جهان عرب نسبت به سازش مصر و تعلیق روابط سیاسی با این کشور برخی تبادلات تجاری میان کشورهای عضو شورا و مصر وجود داشت و این شش کشور از افسران مصری در ارتشهای خود استفاده می‌نمودند؛ به همین ترتیب تماسهای دوجانبه

عربستان سعودی و امارات با مصر رو به افزایش داشت. در اوایل ۱۹۸۶ یکی از معاونان وزارت خارجه امارات وارد قاهره می‌شود و پیام شیخ زاید را در مورد وضعیت منطقه و جنگ ایران و عراق (بعد از عملیات والفجر ۸ در شبه جزیره فاو) به حسنی مبارک داده و به دنبال آن چندی بعد یک وزیر مصر عازم امارات می‌شود. در ادامه این روند زمانی که مصر در اجلاس سران عرب در امان در سال ۱۹۸۷ به جرگه کشورهای عربی می‌پیوندد، سران شورای همکاری از آن استقبال نموده، آن را دستاورد مهم اجلاس امان می‌خوانند.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به موازات تبادلات و ارتباطات مخفیانه با مصر در دوران اخراج مصر از جهان عرب، گامهایی در جهت هموار نمودن صلح خاورمیانه بر می‌دارند. طرح صلح ۸ ماده‌ای فهد از جمله اقداماتی بود که بر شناسایی ضمنی اسرائیل تا کید داشت. با توجه به چنین نرمشها و زمینه‌هایی بود که آمریکا و رژیم صهیونیستی بر نقش و اهمیت عربستان سعودی در پیشبرد فرایند صلح تا کید دارند. شمعون شامیر یکی از پژوهشگران برجسته انستیتوی شیلوخ وابسته به دانشگاه تل آویو می‌گوید:

«سعودی از طریق همکاری مستحکم خود با رژیم شاه و قدس و آمریکا، گرایش صلح ساداتی را در دهه هفتاد تقویت کرد و سعودی، اسرائیل و مصر شرکای آمریکا شدند و تشکیل یک پیمان استراتژیک میان آنها ممکن شده است.»^(۱۵)

مواضع کویت نیز در روند مذاکرات صلح خاورمیانه به موازات مواضع عربستان سعودی است. در همین رابطه است که تحلیلگران آمریکایی در اسناد لانه جاسوسی بر جهتگیری وزیر امور خارجه این کشور در پیشبرد فرایند صلح توجه کرده‌اند:

«لیکن منابع دیگر در امور خارجه معتقدند که شیخ صباح الاحمد وزیر خارجه کویت سعی کرده است به سران عراق، سوریه و شاه حسین بفهماند که کمپ دیوید تنها راه حل منطقی و رضایتبخش است... شاید تحلیلگران درست گفته باشند که شیخ صباح در نظر دارد با جدا کردن

اجلاس بغداد از مواضع ارتدادی در برابر کمپ دیوید موضع میانه روتری را به وجود آورد.»^(۱۶)

در ادامه این فرایند، که از سال ۱۹۷۹ (انعقاد قرار داد کمپ دیوید) با ابتکار آمریکا و رژیم صهیونیستی و از کشور مصر شروع شد، امروزه مقامات برجسته رژیم صهیونیستی "سال صلح اعراب" را مطرح می‌کنند. کشورهای عربی موجودیت اسرائیل را پذیرفته و حتی خواستار

همکاری با آن شده‌اند. اردن تاسیس بانکی در مناطق اشغالی را مطرح کرده، در تلاش برای برداشتن موانع صلح حرکت می‌نماید. در همین راستا کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تحت تاثیر جَوّ موجود و نشان دادن حسن نیت خود به غرب و آمریکا پذیرای هیأت‌هایی از سوی رژیم صهیونیستی هستند. حضور یک هیأت بلند پایه رژیم صهیونیستی در هتل کنتیننتال مسقط در "اجلاس سه روزه آب در خاورمیانه" در ۲۸ فروردین امسال در کشور عمان و شرکت هیأت مشابهی از سوی آن رژیم در "اجلاس بین المللی نظارت بر تسلیحات" در کشور قطر در کنار بحث "لغو تحریم اقتصادی" رژیم غاصب، همه از دورنمای تأسفبار سازش اعراب و اسرائیل حکایت می‌کند؛ درست همان مطلبی که مقامات صهیونیستی تحت عنوان "سال صلح اعراب" از آن یاد می‌کنند.

جمهوری اسلامی با اعتقاد به اصول اصیل انقلاب اسلامی و با درک موقعیت زمانی بارها احساس خطر خود را نسبت به پیشرفت مذاکرات صلح و آثار و پیامدهای منفی آن به اعراب منطقه و خلیج فارس هشدار داده است و با آنکه به عنوان مهمترین مانع پیشرفت مذاکرات صلح خاورمیانه تحت فشارهای همه جانبه سیاسی، تبلیغاتی، اقتصادی، فرهنگی و غیره از سوی رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار گرفته است، لیکن نتوانسته کشورهای عرب همسایه حاشیه جنوبی خلیج فارس را از این اقدامات منصرف سازد. در این راستا حتی یکی از نویسندگان آمریکایی کارشکنیهای جمهوری اسلامی ایران در مقابل فرایند "صلح اعراب- اسرائیل" را یکی از پنج مورد عداوت ایران نسبت به غرب دانسته است.^(۱۷)

نکته قابل توجه و حائز اهمیت اینکه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در زمانی چهار نعل به سمت مذاکرات صلح و آشتی و برقراری روابط با رژیم صهیونیستی گام بر می‌دارند که همزمان در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های صادره خود همچنان- و این بار به نوعی دیگر- با سوژه قرار دادن "حق حاکمیت امارات متحده عربی بر جزایر تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی" به محکومیت ایران پرداخته و سعی در بین المللی کردن بحران و کشاندن مطلب به مجامع جهانی دارد. این جهت گیریهای سیاسی متناقض و حیرت انگیز هم‌زمان در مورد ایران اسلامی و رژیم صهیونیستی از سوی اعضای شورای همکاری یاد آور یکی از مقالات روزنامه کویتی السیاسه در دوران جنگ تحمیلی به قلم احمد جارا... سردبیر این روزنامه است. وی در این مقاله با بزرگ

کردن خطر جمهوری اسلامی ایران و لزوم استفاده از برخورد نظامی با ایران و عدم کاربرد تسلیحات اعراب در مقابل اسرائیل می‌نویسد که: «استفاده از این جنگ افزارها علیه اسرائیل دیگر مطرح نیست چون اعراب عقیده دارند که اسرائیل نیرومندتر از آنان است و لذا نباید با آن جنگید». این روزنامه سپس از کشورهای عربی خواست که: «این سلاحها را قبل از اینکه رنگ یزند و یا تلف شود علیه ایران به کار برند.»^(۱۸) محکومیت ایران از سوی شورای همکاری خلیج فارس در ارتباط با بحث «جزایر» و دامن زدن بدان، خود در راستای یکی از چندین سناریوی طراحی شده به وسیله رژیم صهیونیستی است تا بدان وسیله ایران را در یک بن بست و درگیری نظامی ناخواسته قرار دهند. در ۱۹ فوریه ۱۹۹۳ «یوآوکاسپی» (*YO AV Kaspi*) مفسر سیاسی روزنامه دست چپی آل همیشمار (*AL Hamishmar*) نوشت: «با ایران نیز همانند عراق باید رفتار کرد.»

در این مقاله مفسر روزنامه از قول «دانیل لشم» (*Daniel Lwshem*) افسر ارشد بازنشسته واحد اطلاعات نظامی و عضو فعلی مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه تل آویو می‌نویسد: «... باید در مورد ایران هم شرایطی شبیه آنچه برای عراق قبل از حمله به کویت فراهم شده بود به وجود آورد؛ مثلاً ایران سه جزیره استراتژیک خلیج فارس را در تصرف دارد. تسلط بر این جزایر نه تنها موجب تسلط بر کلیه حوضه‌های نفتی فعال در آن منطقه است بلکه موجب تسلط بر منابع گازی است که هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. ما باید امید وار باشیم که اعراب حوزه خلیج فارس، بخصوص امارات متحده عربی بر ادعای مالکیت بر این جزایر با فشاری کنند و ایران همان اشتباه صدام حسین را تکرار کرده، به جنگ با آنها برخیزد؛ آن وقت همانطور که در مورد عراق اتفاق افتاد، فرصت از بین بردن برنامه‌های نظامی و توسعه هسته‌ای ایران به دست خواهد آمد.»^(۱۹)

تحریک ایران به جنگ مایه اصلی مقاله دیگری است که «یا آکویارو» (*Ya Alov Eress*) سر دبیر دست راستی «معارفو» (*ma Areve*) در ۱۲ فوریه ۱۹۹۳ نوشته شده و با بزرگ جلوه دادن تهدیدات هسته‌ای و متعارف نظامی ایران پیشنهاد تحریم بین المللی فروش اسلحه و سایر لوازم صنعتی به ایران از طریق اعمال فشار از طریق نیروی دریایی آمریکا را مطرح می‌سازد و شرط موفقیت این استراتژی را بستگی به سه عامل می‌داند.^(۲۰) در عامل سوم اینگونه مطرح می‌شود

که: «سوم اینکه باید به دنیا گفته شود که حمله به ایران هم خیلی مشکل نیست، با هماهنگی با کشورهای عربی مثل عربستان و امارات متحده عربی، می توان زمینه سازی لازم برای حمله نظامی به ایران را فراهم آورد.» نویسنده «معارفو» جنگ با ایران را کلید حل مسأله اسرائیل با فلسطینیان می داند و یاد آور می شود که: ایرانیان با نفوذ خود موجب تحریک مخالفت با روند صلح (دادن خود مختاری محدود به فلسطینیان) شده اند و تفکر فعلی در دولت و در جامعه اسرائیل بر این اساس است که برای آرام کردن فلسطینیان باید ایران را در یک جنگ شکست داد.

در راستای محکومیت ایران از سوی شورای همکاری خلیج فارس و پیشبرد روند مذاکرات صلح به کمک اعضای این شورا، وزیر امور خارجه آمریکا "وارن کریستفر" در سفر اخیر خود به این منطقه و دیدار با مقامات بلند پایه و وزرای امور خارجه شورای مزبور از یک سو بر ضرورت تداوم موضع غیر دوستانه کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در برابر ایران تأکید نموده و از سوی دیگر بر اهمیت نقش کشورهای عضو شورا در روند سازش خاورمیانه پرداخته است. سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان در خصوص محورهای مورد بحث کریستفر با وزیران خارجه شورا در ریاض گفت که: «روند مذاکرات اعراب و اسرائیل و تحولات منطقه خلیج فارس در صدر مذاکرات وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس و وزیر امور خارجه آمریکا قرار داشته است.»^(۲۱) در همین راستا فهد شاه عربستان سعودی پس از ممانعت از برپایی مراسم برائت از مشرکان در پیامی خطاب به زائران خانه خدا آمادگی ریاض را برای همکاری با آمریکا و کشورهای غربی و سازمانهای بین المللی علاقه مند به آنچه که "صلح منطقه خاورمیانه" خوانده می شود اعلام نمود. وی روز یکشنبه اول خرداد ۱۳۷۳ در جده گفت که: «از بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا و حکومتش می خواهد برای دستیابی به صلح عادلانه!! و کلی در خاورمیانه تلاش کند.» همزمان وی در این سخنان خود جمهوری اسلامی ایران را مورد خطاب قرار داده و این کشور را به رعایت قوانین بین المللی و بازگرداندن سه جزیره به امارات متحده عربی فرا می خواند.^(۲۲)

در نهایت یاد آور می شود که فرایند محکومیت ایران از سوی شورای همکاری خلیج فارس در مقاطع زمانی مختلف و امروزه بر سه مسأله "سه جزیره" و همزمان تلاش مشتاقانه این شورا در

جهت پیشبرد جریان مذاکرات "صلح اعراب و اسرائیل" نه از زاویه عربیت و ناسیونالیسم عربی و نه از دیدگاه اسلامی قابل تحلیل است و هرگز در جهت منافع کشورهای عربی منطقه نبوده و نیست. لذا برندگان واقعی این بازی تنها رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا هستند نه کسان دیگر. "ام‌گراییم بن‌رمن" یکی از نویسندگان آمریکایی در مقاله‌ای با عنوان "اعراب و اسرائیل؛ گامی آهسته به طرف صلح" بر این امر تصریح داشته، یادآور می‌شود که: «توانمندی اجرایی کلیتون نسبت به استمرار پروسه صلح خاورمیانه، تاثیر مهمی بر ثبات خاورمیانه و در نتیجه منافع آمریکا در این منطقه خواهد داشت.»^(۲۳)

پاورقی‌ها

۱- برای اطلاع و آشنایی بیشتر با شورای همکاری خلیج فارس باید یادآور شد که این شورا به هنگام تشکیل ۱۲ میلیون نفر جمعیت داشت که ۸ میلیون نفر آن را جمعیت عربستان سعودی تشکیل می‌داد. وسعت جغرافیایی این مجموعه کشورهای عضو ۲/۶۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع است. موقعیت جغرافیایی این شورا نیز حائز اهمیت است از یک طرف به سواحل غرب و جنوب خلیج فارس و دریای عمان و از طرف دیگر بر قسمت اعظم سواحل بحر احمر و دریای عرب اتصال دارد بدین ترتیب با آبراه‌های مهمی چون باب المندب، هرمز و سوئز مرتبط می‌شود.

تشکیلات شورای همکاری خلیج فارس شامل: الف) "شورای عالی" که اجلاس آن با شرکت سران هر کشور عضو و سالی دوبار تشکیل می‌گردد. ب) "شورای وزیران" که در آن ۶ وزیر خارجه کشورهای عضو هر سه ماه، یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. البته وزرانی دیگر نیز جلساتی با هم دارند. ج) دبیرخانه و دبیرکل و د) کمیسیونهای تخصصی که مهمترین آنها عبارتند از کمیسیون تخصصی برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، کمیسیون تخصصی هماهنگی مالی، اقتصادی و تجارت، کمیسیون تخصصی همکاریهای صنعتی، کمیسیون تخصصی سیاستهای نفتی و کمیسیون تخصصی سیاستهای اجتماعی - فرهنگی. مقر تشکیل اجلاسهای شورای همکاری در ریاض پایتخت عربستان سعودی است.

هدفهای شورای همکاری خلیج فارس را چنانکه عبدا... بشاره دبیرکل آن شورا در تاریخ ۶۲/۲/۴

مشخص نمودند، به شرح زیر است:

- هماهنگی سیاست اعضا

- همکاریهای دفاعی و امنیتی بین اعضا

- هماهنگی و اشتراک قوانین اجتماعی و فرهنگی کشورهای عضو

- ایجاد بازار مشترک بین اعضا

- همسانی مواضع اعضا در برابر مسائل عمومی

در ارتباط با اهداف رسمی این شورا باید گفت که در اساسنامه این شورا بر همکاریهای فرهنگی، اقتصادی، تجاری، سیاسی، اجتماعی، صنعتی، فنی، بهداشتی، پولی و ... اشاره شده است، اما باید مهمترین هدف این شورا را تلاش در حفظ ثبات داخلی و خارجی اعضا و حفظ وضع موجود تصور نمود. بعد از آن شورا به دنبال ایجاد یک سیستم و پیمانی شبیه بازار مشترک اروپاست. در ارتباط با علل پیدایش و شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس می‌توان به عوامل متعددی اشاره نمود:

- پیروزی انقلاب اسلامی و برهم خوردن و زیر سؤال رفتن نظم موجود در منطقه به لحاظ تئوریک و عملی

- بروز جنگ تحمیلی و ایجاد بحران در منطقه، بویژه اینکه جمهوری اسلامی ایران توانست با پشت سرگذاشتن فشارها و توطئه‌های مختلف «داخلی و خارجی» بویژه جنگ تحمیلی به حیات خود ادامه دهد.

- تضعیف پایه‌های قدرت حکام منطقه در نتیجه صدور انقلاب اسلامی و گسترش امواج اسلامگرایی در منطقه

- اشغال افغانستان توسط شورویها و ترس فراینده حکام منطقه از گسترش سلطه کمونیسم در منطقه

- ترس از تهدیدات رژیم چپگرا و رادیکال عراق

- احساس ضعف شدید نظامی رژیمهای منطقه در رویارویی با تهدیدات جمهوری اسلامی ایران و عراق و بدین جهت تلاش در ایجاد یک سیستم امنیت جمعی بکمک تسلیحات پیچیده غربی و آمریکایی

- هماهنگی با سیاست قبلی آمریکا در زمینه بومی کردن مسائل منطقه تا حد ممکن: چرا که حضور

آمریکا، متحد اصلی و طرفدار جدی اسرائیل برای ۶۰۰/۰۰۰ فلسطینی ساکن کشورهای منطقه خلیج فارس و در آن مقطع زمان بزعم حکام منطقه حساسیت برانگیز می نمود.

- هماهنگی با استراتژی منطقه ای آمریکا برای پر کردن خلأ قدرت ناشی از سقوط رژیم پهلوی از طریق تسلیح عربستان سعودی و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

۲- الیویه دلاژ، ژرار کریزبک، توفان خلیج فارس، ترجمه اسد... مبشری، تهران انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۶، ص ۱۴۳

۳- در پاسخ به این مواضع خصمانه و غیر عادلانه، وزارت امور خارجه ایران بیانیه صادر نمود و مواضع شورا را محکوم نمود جهت اطلاع بیشتر، این بیانیه در روزنامه اطلاعات ۶۸/۱۰/۳ درج شده است

۴- بهمن نعیمی ارفع، مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۷

5- R.K. Ramazan; Revolutionary IRan challenge and Response In the Middle East. P: 130

۶- بولتن خبرگزاری ویژه جمهوری اسلامی ایران مورخ ۶۵/۸/۱

7- Ibid,p:130

۸- دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی شماره ۳۵ تحت عنوان «حکام جزیره العرب بازبچه های شیطان بزرگ، تهران، نشر اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۶۴

9- The Military Balance 1986-87. (London: ISS, 1986), PP: 212-13

10- Cleron, Jean paul, saudi Arabia 2000; strategy for growth, London, Croom Helms, 1978.

۱۱ و ۱۲- بهمن نعیمی ارفع، مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، ص ۹۳

۱۳- از میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، تنها عمان مناسبات سیاسی خود را با قاهره بعد از عقد قرار داد کمپ دیوید، میان مصر و اسرائیل (سال ۱۹۷۹) حفظ کرد و پنج عضو دیگر شورا در پیروی از تصمیم اجلاس سران عرب از همان سال روابط سیاسی خود را با مصر به حال تعلیق در آورده بودند.

۱۴- به تسلیم کشاندن مصر و به دنبال آن سایر کشورهای عربی ریشه در تاریخ نگرشها و آرمانهای سیاستمداران اسرائیلی دارد. لذا این مسأله مطلبی نبود که در دهه ۱۹۷۰ مطرح شده باشد، بلکه در سال ۱۹۵۶

بن گوریون سیاستمدار برجسته اسرائیلی و رئیس آژانس یهودیان در باب اهمیت صلح مصر و اسرائیل و به سازش کشاندن مصر گفته بود که: «مصر دشمن اصلی اسرائیل است که صلح با آن هدف و رؤیای هر انسانی در اسرائیل است و اسرائیلی‌ها بر این باورند که اگر به صلح با مصر دست یابند، کشورهای عربی مجبور به در پیش گرفتن همین راه خواهند بود.»

۱۵- موسسه «الارض» ویژه مطالعات فلسطینی، استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی و کشورهای همجوار آن، تهران، انتشارات بین المللی اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۱

۱۶- دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، شماره ۴۰ (کویت ۲)، تهران، انتشارات لانه جاسوسی، ص ۶۸-۶۵

۱۷- ذیل پاپیس و پاتریک کلسون در مقاله تحت عنوان «ایران جاه طلب و همسایگان گرفتار» در نشریه معروف «فارین افرز» سال ۱۹۹۳ صفحه ۱۲۶-۱۲۷ پنج در مورد خصومت تهران با غرب در سال ۱۹۹۲ را بر می‌شمارد که اختصاراً شامل: حمایت ایران از تروریسم و جایزه برای قتل سلمان رشدی و انفجار سفارت اسرائیل در بوینوس آیرس، دوم حمایت ایران از انقلابیون مسلمان برای بر هم زدن ثبات حامیان غرب، سوم: عکس‌العمل سرسختانه ایران در مقابل روند صلح اعراب و اسرائیل و حمایت از گروه‌های فلسطینی مخالف صلح، چهارم: تجاوز حساب شده ایران در خلیج فارس در شکل‌های مختلف و پنجم: برنامه‌های تجدید توازن نظامی ایران در سال ۱۹۹۲ با خرید تسلیحاتی از بلوک شرق و شوروی سابق که در برنامه‌های پنج ساله ایران ۹۳-۱۹۸۹ این رقم به ۱۰ میلیارد دلار اختصاص یافت.

۱۸- دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نشریه رویداد و تحلیل، ش ۶، ص ۷۳

۱۹- ر. ک به اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۷۲-۷۱ تحت عنوان «روابط پنهانی ایالات متحده و عربستان سعودی (اسلحه - نفت - عراق - ایران)» ترجمه دکتر بهمن همایون، ص ۷۰

۲۰- ارزش معتقد است که موفقیت این استراتژی به سه عامل بستگی دارد: اول اینکه به دنیا بگوییم که مبلغان ایران در تمام نقاط دنیا رخنه کرده و یک «انقلاب آرام» را رهبری می‌کنند. ایران تروریسم بین المللی را تشویق کرده، تروریست‌های احتمالی را در ایران آموزش می‌دهند. دوم اینکه به دنیا بگوییم که تهدید ایران برای منابع نفتی حوزه خلیج فارس به مراتب بیش از شرایطی است که موجب جنگ با عراق شد. ایران به مراتب بیش از عراق کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و منابع نفت آنها را مورد تهدید قرار داده است. باید به دنیا بگوییم که تهدید ایران نسبت به شبه جزیره عربستان و آزادی کشتیرانی در خلیج فارس جدی است.

سوم اینکه باید به دنیا گفته شود که حمله به ایران خیلی هم مشکل نیست. با هماهنگی با کشورهای عربی مثل عربستان و امارات متحده عربی می‌توان زمینه سازی لازم برای حمله نظامی به ایران را فراهم آورد.

۲۱- روزنامه جمهوری اسلامی ایران، شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۱۶

۲۲- روزنامه جمهوری اسلامی ایران، سه شنبه ۳ خرداد ۱۳۷۳، ص ۱۶

23- Foreign Affairs & Arabs and Israelis: Low walk toward peace, M, Green Bannerman ,
Editorial offices: East 68th Street, New York, NY 10021 Vol.72, No.1, 1993 - Spring 1993 &
P:142.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی